

مقایسه باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق و عادی

فریده انصافداران^{۱*}، مهناز محمدی‌زاده سروستانی^۲، کاظم خرم‌دل^۳

۱. استادیار روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

f.ensafdaran@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، موسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز، شیراز، ایران.

mmahnaz4747@gmail.com

۳. استادیار روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز، شیراز، ایران.

khoramdel.psy@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۸/۱۸]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۱/۶/۲۲]

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق و عادی بود پژوهش حاضر از نوع علی - مقایسه‌ای و جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی زنان مطلقه تحت پوشش سازمان بهزیستی و زنان عادی شهر شیراز بود. گروه نمونه متشکل از ۱۲۰ نفر در دو گروه (۶۰ زن مطلقه ۶۰ زن عادی) بود. برای تعیین حجم نمونه در گروه زنان مطلقه از روش نمونه‌گیری در دسترس و برای زنان عادی از روش هدفمند به‌منظور هم‌تاسازی گروه زنان عادی با زنان مطلقه استفاده شد. پرسشنامه باورهای غیرمنطقی توسط جونز، پرسشنامه خودپنداره راجرز، پرسشنامه بهزیستی معنوی پولوتزین و الیسون مورد سنجش قرار گرفتند. داده‌های گردآوری شده در دو سطح مورد تجزیه و تحلیل (آمار توصیفی و آمار استنباطی) قرار گرفت. در سطح آمار از میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. نتایج نشان داد که بین باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد؛ باورهای غیرمنطقی در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی بالاتر است و میانگین متغیرهای خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی پایین‌تر است؛ میانگین باورهای غیرمنطقی و ابعاد آن (شامل درماندگی در برابر تغییر، توقع تائید از دیگران، اجتناب از مشکل و بی‌مسئولیتی هیجانی) در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی بالاتر است؛ بین خودپنداره در زنان با سابقه طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. میانگین بهزیستی معنوی و ابعاد آن (سلامت وجودی و سلامت مذهبی) در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی پایین‌تر است. با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر لزوم توجه به باورهای غیرمنطقی خودپنداره و بهزیستی معنوی پیشنهاد می‌شود این سازه‌ها در قالب کلاس‌های آموزشی قبل از ازدواج به‌منظور پیشگیری از بروز مشکلات در زندگی مشترک صورت گیرد.

واژگان کلیدی: باورهای غیرمنطقی، خودپنداره، بهزیستی معنوی.

۱- مقدمه

نهاد خانواده به عنوان بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین نهاد اجتماعی به شمار می‌رود. طلاق^۱ و جدایی مهم‌ترین عامل از هم‌گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه یعنی خانواده است (عقبلی، اصغری، کریمیان و نمازی، ۱۴۰۰). امروزه طلاق به صورت مسئله‌ای جهانی توجه بسیاری را به خود جلب نموده است. طی قرن بیستم به دنبال افزایش جمعیت و تغییر در نظام فرهنگی در بسیاری از نقاط جهان، به‌ویژه در جوامع صنعتی، میزان طلاق روندی افزایشی به خود گرفته است (Pope, Means, & Dowd, 2015). بر اساس آمار ثبت‌احوال کشور در سال ۹۸ در برابر هر ۱۰۰ ازدواج ۳۲ مورد طلاق بوده است. نگاهی به وضعیت طلاق در ایران نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر طلاق در ایران روندی رو به رشد داشته است، بر اساس آمارهای سازمان ثبت‌احوال ایران، تعداد طلاق ثبت شده در کشور طی دهه‌های اخیر با رشدی نزدیک به سه برابر (۲/۸ برابر) افزایش یافته است (صف‌آرا، خانابایی و خانابایی، ۱۳۹۸).

الیس^۲ اولین فردی بود که به نقش عوامل شناختی در روابط زناشویی ناکارآمد تأکید داشت. او معتقد بود باورهای غیرمنطقی^۳ علت اصلی بسیاری از اختلافات اجتماعی به‌ویژه در روابط زوجین است (کرمی بلداجی، زارعی، فلاح چای و صادقی‌فرد، ۱۴۰۰). باورهای غیرمنطقی به صورت جزمی، غیرقابل انعطاف و مطلق‌گرا تعریف می‌شوند. آن‌ها غیرمنطقی، ضد تجربی و مخل اهداف فرد هستند. در مقابل باورهای منطقی آزمایشی و منعطف هستند. آن‌ها منطقی هستند، با واقعیت سازگار هستند و از اهداف بلندمدت فرد حمایت می‌کنند (Situmorang, 2021).

بک^۴ معتقد است که مهم‌ترین علت مشکلات زوجین و روابط انسانی سوء تفاهم، خطاهای شناختی و افکار اتوماتیک است. به اعتقاد او تفاوت در نحوه نگرش افراد باعث بروز اختلافات و پیامدهای ناشی از آن می‌شود. الیس نیز بر این باور است بسیاری از ناراحتی‌ها و مسائل در زندگی احساسی و عاطفی مردم از عقاید غیرمنطقی نشأت می‌گیرد. وی بر این باور است که اضطراب و اختلالات عاطفی نتیجه تفکر غیرمنطقی و غیرعقلانی است؛ به بیانی دیگر، به نظر می‌رسد بسیاری از مشکلات روان‌شناختی افراد، ناشی از ادراک تحریف‌شده و تفکر غیرمنطقی است؛ یعنی آنچه که در روابط زناشویی بیشتر زمینه مشکل و اختلال را موجب می‌شود نه محرک‌ها و نه رویدادهای بیرونی است بلکه نحوه تفکر و باورهای غیرمنطقی آنان نسبت به رویدادها است (Collard & Fuller-Tyskiewicz, 2021).

باورهای غیرمنطقی مانع مواجهه موفقیت‌آمیز با حوادث تحریک‌کننده می‌گردند (حسینی قیداری، گودرزی، احمدیان و یاراحمدی، ۱۴۰۱). باورهای غیرمنطقی الیس عبارت‌اند از: ۱- انتظار تأیید از دیگران ۲- زیاده از خود انتظار داشتن ۳- سرزنش کردن ۴- واکنش به ناکامی ۵- بی‌مسئولیتی عاطفی (کنترل هیجانی) ۶- نگرانی زیاد توأم با اضطراب (توجه مضطربانه) ۷- اجتناب از رویارویی با مسائل ۸- وابستگی ۹- درماندگی نسبت به تغییر ۱۰- کمال‌طلبی (کمال‌گرایی) (Teovanović, Lukić, Zupan, Lazić, Ninković & Žeželj, 2021).

به‌طورکلی طلاق موجب بروز تردیدهایی در مورد ارزش‌ها، انتخاب‌ها، روابط و نقش‌ها و منجر به تغییراتی در خودپنداره^۵ افراد می‌شود. موضوع «خودپنداره» موضوعی گریزان است که سال‌ها، حتی قرن‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. منشأ آن را می‌توان در اواسط دهه ۱۶۰۰ در کار جان لاک (۱۸۹۴) یافت که در اواخر دهه ۱۸۰۰ با کمک‌های ویلیام جیمز (۱۸۹۰) در میان دیگران گسترش یافت؛ که به‌عنوان مجموعه‌ای از باورهای شناختی که فرد در مورد خود دارد در نظر گرفته می‌شود (Douma, de Boer, Minnaert & Grietens, 2022).

1. divorce
2. Ellis
3. irrational beliefs
4. Beck
5. self-concept

مطالعات جدید نشان داده است که معنویت نقش زیادی بر روابط زوجین دارد و به‌عنوان راهکاری رایج برای مقابله با مشکلات روحی - روانی به حساب می‌آید (Oxhandler, Pargament, Pearce, Vieten & Moffatt, 2021). تحقیقات متعددی در حمایت از این فرضیه وجود دارد که بهزیستی معنوی^۱ می‌تواند کارکرد روانی و سازگاری را تقویت کند. همبستگی‌های معناداری بین بهزیستی معنوی و متغیرهای از قبیل سازگاری، افسردگی، عزت‌نفس، رضایت از زندگی، آشفته‌گی خلق و اختلال اضطراب اجتماعی گزارش شده است (محبوبی، اعتمادی، خراسانی، قیاسی و افکار، ۱۳۹۱). به‌طورکلی معنویت را به‌عنوان جنبه‌ای از وجود انسان، به فرد انسانیت می‌بخشد، در نظر می‌گیرند و معتقدند که معنویت با ساختارهای مهم فرد در ارتباط است (فرهادیان و مرادی، ۱۳۹۹). بهزیستی معنوی را نیز می‌توان حسی از ارتباط با دیگران، داشتن معنی و هدف در زندگی و داشتن اعتقاد و ارتباط با یک قدرت متعالی تعریف کرد (Huang & Zhao, 2021).

طلاق تأثیرات بسیار عمیق و مهمی در سلامت جسمی و روحی و اجتماعی زنان ایجاد می‌کند. درنهایت می‌تواند اثرات مستقیم و غیرمستقیم بسیار مهمی در جامعه داشته باشد (Malgaroli, Galatzer-Levy & Bonanno, 2017). نکته حائز اهمیت دیگر زنان مطلقه در مقایسه با سایر زنان، دچار مشکلات روان‌شناختی بیشتری هستند حتی زنانی که از زندگی زناشویی‌شان رضایت نداشتند، بعد از طلاق کیفیت زندگی‌شان پایین‌تر از زنان متأهل بوده است آنان علاوه بر رویارویی با مشکلات اقتصادی و فشارهای اجتماعی با برخی مشکلات روان‌شناختی مانند خودپنداره منفی، روبه‌رو هستند (Drefahl, 2012). لیکن با توجه به مستندات فوق نتیجه‌گیری قطعی در زمینه تفاوتی که زنان باسابقه طلاق و عادی از لحاظ باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی می‌توانند داشت باشند نیازمند تحقیقات گسترده است و بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد کمتر انجام گرفته است؛ پژوهش حاضر به دنبال رفع کمبودهای پژوهشی موجود به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی زنان با سابقه طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد؟

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

با مرور پیشینه‌های تحقیقاتی، حاکی از آن بود مطالعه‌ای که به مقایسه باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق و عادی باشد یافت نشد اما به‌طور جداگانه این متغیرها در برخی از تحقیقات موردبررسی قرار گرفتند به‌طور مثال، دیویس^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان دادند که میزان بهزیستی معنوی زنان طلاق گرفته در مقایسه با سایر زنان کمتر است همچنین بهزیستی معنوی به‌طور غیرمستقیم احتمال طلاق بعدی را با افزایش سطح شادی زناشویی کاهش می‌دهد. همچنین در پژوهشی در ناحیه سیلاکاپ، جاوه مرکزی، اندونزی به این نتیجه رسیدند که زنان طلاق گرفته در مقایسه با زنان عادی تصور منفی‌تر و خودپنداره منفی‌تری از خود دارند (Turistiati, Sudiana, Poernomo & Triana, 2021). هنرپروران، معین و معصومی (۱۳۹۰) نیز نشان دادند که بین میانگین نمره کل باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و زنان عادی تفاوت معناداری وجود داشت و بررسی خرده مقیاس‌های باورهای غیرمنطقی نیز نشان داد، بین زنان متقاضی طلاق و زنان عادی شهر بندرعباس در خرده مقیاس‌های باورهای غیرمنطقی به استثناء دو خرده مقیاس اجتناب از مشکل و کمال‌گرایی در سایر خرده‌مقیاس‌های ضرورت تأیید حمایت دیگران، انتظار بیش‌ازحد از خود، تمایل به سرزنش، واکنش به ناکامی، بی‌مسئولیتی عاطفی، دل‌مشغولی زیاد همراه با اضطراب، وابستگی و درماندگی نسبت به تغییر تفاوت معناداری مشاهده شد. در پژوهشی دیگر زوجین متقاضی طلاق نسبت به زوجین عادی باورهای غیرمنطقی و ناگویی خلقی بیشتر و تجارب معنوی کمتری دارند (پذیرش، ۱۳۹۳).

۳- روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر علی‌مقیاسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی زنان مطلقه تحت پوشش سازمان بهزیستی و زنان عادی شهر شیراز بود نمونه پژوهش شامل ۶۰ زن مطلقه و ۶۰ زن عادی بود که نمونه‌گیری به روش در دسترس برای زنان مطلقه و هدفمند برای جامعه زنان عادی به‌منظور هم‌تاسازی گروه زنان عادی با زنان مطلقه انجام شد. به همین منظور ابتدا نمونه زنان مطلقه جمع‌آوری و پس از سنجش اطلاعات جمعیت شناختی، تلاش شد نمونه زنان عادی هدفمند و با ویژگی‌های جمعیت شناختی مشابه گروه زنان مطلقه تعیین گردند.

۳-۱- ابزار گردآوری اطلاعات

الف) پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز: پرسشنامه باورهای غیرمنطقی توسط جونز در سال (۱۹۶۹) به‌منظور سنجش باورهای غیرمنطقی طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۴۰ سؤال و شامل ۴ مؤلفه درماندگی در برابر تغییر، توقع تأیید از دیگران و بی‌مسئولیتی هیجانی می‌باشد و بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت کاملاً مخالف (۱) مخالف (۲) نه مخالف نه موافق (۳) موافق (۴) کاملاً موافق (۵) به سنجش باورهای غیرمنطقی می‌پردازد. در پژوهش عبادی و معتمدین (۱۳۸۴) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسشنامه مناسب ارزیابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش عبادی و معتمدین (۱۳۸۴) برای این پرسشنامه بالای ۰/۷ برآورد شد. در پژوهش حاضر میزان پایایی پرسشنامه باورهای غیرمنطقی از طریق شیوه آلفای کرونباخ محاسبه و میزان آن ۰/۸۹ به دست آمد.

ب) خودپنداره: این پرسشنامه در سال ۱۹۵۷ توسط راجرز به‌منظور سنجش میزان خویشتن‌پنداری افراد تهیه شده که شامل دو فرم جداگانه «الف» و «ب» است، فرم «الف» خویشتن‌پنداره پایه یعنی آن‌گونه که فرد خودش را می‌بیند و تصویری که در حال حاضر از خودش دارد را می‌سنجد، فرم «ب» خویشتن‌پنداره ایده‌آل یا آرمانی را موردسنجش قرار می‌دهد؛ یعنی آن‌گونه که فرد آرزو دارد باشد. در هر فرم ۲۵ صفت قطبی (مثبت و منفی) قرار داده شده است. آزمودنی ابتدا باید به فرم الف و سپس ب پاسخ دهد. فرم الف را با توجه به تصویری که از خصوصیات و صفات خود دارد، تکمیل می‌کند و فرم ب باید بر اساس آرزوها و ایده‌آل‌هایش تکمیل شود. طرز تکمیل سؤالات به این شکل است که در برابر هر صفت متضادش هم نوشته شده، آزمودنی باید خود را با توجه به آن دو صفت ارزیابی کند و به خودش نمره‌ای بین ۱ تا ۷ دهد.

این پرسشنامه توسط نودرگاه (۱۳۷۳) و محمدی کاجی (۱۳۷۲) به‌عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مشاوره موردپژوهش قرار گرفته است. این پژوهشگران پرسشنامه را در مورد گروه‌های نمونه ۵۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر کرج تهران و قوچان و ۵۷۰ نفر از دانش‌آموزان پسر و دختر دبیرستانی تهران اجرا و نتایج زیر را به دست آوردند. ضریب اعتبار آزمون با استفاده از روش دونیمه کردن برآورد و معادل ۰/۸۰ گزارش شده است (محمدی کاجی، ۱۳۷۲) و نیز همسانی درونی آزمون با استفاده از محاسبه همبستگی هر سؤال با کل آزمون سنجیده و مورد تأیید قرار گرفته است. می‌توان به دارا بودن روایی محتوایی این تست با توجه به نظریه کارل راجرز (سازنده این مقیاس) و تأیید اساتید و متخصصان تکیه کرد و نیز به دلیل تأیید همسانی درونی سؤالات این آزمون دارای یکی از شواهد روایی سازه است. در پژوهش حاضر میزان پایایی پرسشنامه خودپنداره از طریق شیوه آلفای کرونباخ محاسبه و میزان آن ۰/۹۱ به دست آمد.

ج) بهزیستی معنوی: این مقیاس را پولوتزین و الیسون در سال ۱۹۸۲ ساختند. این مقیاس ۲۰ سؤال دارد که ۱۰ سؤال آن سلامت وجودی و ۱۰ سؤال دیگر آن سلامت مذهبی را اندازه‌گیری می‌کند. هرکدام از سؤالات بر اساس مقیاس لیکرت در شش قسمت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» دسته‌بندی شده است. در عباراتی که فعل مثبت داشتند پاسخ کاملاً مخالفم، نمره یک و کاملاً موافقم،

نمره شش و بالعکس در سؤالاتی که فعل منفی داشتند پاسخ کاملاً مخالفم نمره شش و کاملاً موافقم، نمره یک را به خود اختصاص می‌داد.

پولوتزین و الیسون ضریب آلفای کرونباخ سلامت مذهبی و وجودی و کل مقیاس را به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۹۱ و ۰/۹۳ گزارش کردند، همچنین اله بخشیان، جعفرپورعلوی، پرویزی و حقانی (۱۳۸۹) و رضایی و سیدفاطمی و حسینی (۱۳۸۷) ضریب آلفای کرونباخ ابزار را پس از ترجمه به فارسی ۰/۸۲ گزارش نموده و روایی این پرسشنامه را از طریق روایی محتوی موردبررسی و تأیید قراردادند. جهت اطمینان نیز در این پژوهش میزان پایایی پرسشنامه بهزیستی معنوی از طریق شیوه آلفای کرونباخ محاسبه و میزان آن ۰/۹۰ به دست آمد.

در نهایت پرسشنامه‌ها توزیع و پس از جمع‌آوری آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده‌های گردآوری شده در دو سطح مورد تجزیه و تحلیل (آمار توصیفی و آمار استنباطی) قرار گرفت. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از روش تحلیل واریانس چند متغیره و تک متغیره استفاده شد.

۴- یافته‌ها

در ابتدا آمار توصیفی و سپس روش بررسی در مورد فرضیه‌های پژوهشی بیان می‌شود. نمونه حاضر نشان داد که میانگین سنی آزمودنی‌ها ۳۴/۷۵ و بیشترین فراوانی میزان تحصیلات آزمودنی‌ها مربوط به زنان دارای مدرک لیسانس بود. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱. بررسی میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
باورهای غیرمنطقی کلی	زنان با سابقه طلاق	۱۱۷/۸	۷/۵
	زنان عادی	۹۵/۹۷	۱۱/۲
درماندگی در برابر تغییر	زنان با سابقه طلاق	۴۵/۱۳	۵/۰۸
	زنان عادی	۳۷/۱۷	۴/۱
توقع تأیید از دیگران	زنان با سابقه طلاق	۲۹/۲۷	۳/۰۷
	زنان عادی	۲۳/۷۰	۴/۳
اجتناب از مشکل	زنان با سابقه طلاق	۱۴/۷۰	۱/۳
	زنان عادی	۱۱/۶۷	۲/۰۷
بی‌مسئولیتی هیجانی	زنان با سابقه طلاق	۲۸/۷۰	۲/۸
	زنان عادی	۲۳/۴۳	۴/۲
خودپنداره	زنان با سابقه طلاق	۴/۱۳	۲/۳
	زنان عادی	۸/۵۰	۴/۵
بهزیستی معنوی	زنان با سابقه طلاق	۶۹/۴۳	۱۳/۳
	زنان عادی	۸۶/۶۶	۱۰/۱
سلامت وجودی	زنان با سابقه طلاق	۳۵/۲۳	۷/۷
	زنان عادی	۴۵/۰۳	۵/۵
سلامت مذهبی	زنان با سابقه طلاق	۳۴/۲۰	۶/۷

زنان عادی ۴۱/۶۳ ۵/۳

همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین نمرات باورهای غیرمنطقی و ابعاد آن در بین زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی بالاتر است. میانگین نمرات خودپنداره و بهزیستی معنوی در بین زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی پایین‌تر است.

جهت بررسی فرضیه پژوهش که به چه میزان بین باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد، از روش آمار تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد.

جدول ۲. نتایج تحلیل چند متغیره باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی آن در دو گروه

شاخص	ارزش	مقدار F	درجه آزادی	سطح معنی داری	توان آماری
اثر پیلایی	۰/۷۲۹	۵۰/۰۹	۳	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰
لامبدای ویلکز	۰/۲۷۱	۵۰/۰۹	۳	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰
معیار هتلینگ	۲/۶	۵۰/۰۹	۳	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰
بزرگترین ریشه ری	۲/۶	۵۰/۰۹	۳	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰

تفاوت دو گروه در باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی در هر چهار آزمون معنادار است، به عبارتی در بین زنان با سابقه طلاق و زنان عادی تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول ۳. بررسی تفاوت نمرات باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی بین زنان با سابقه طلاق و زنان عادی

متغیرها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	P	مجذور اتا
باورهای غیرمنطقی	۷۱۵۰/۴۱۷	۱	۷۱۵۰/۴۱۷	۷۸/۴	۰/۰۰۰۱	۰/۵۷۵
خودپنداره	۷۳۵۷۰/۰۱۷	۱	۷۳۵۷۰/۰۱۷	۱۸/۱	۰/۰۰۰۱	۰/۲۳۸
بهزیستی معنوی	۴۴۵۴/۸۱۷	۱	۴۴۵۴/۸۱۷	۳۱/۶	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵۳

میانگین باورهای غیرمنطقی در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی بالاتر و میانگین متغیرهای خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی پایین‌تر است. جهت بررسی فرضیه پژوهش که به چه میزان بین ابعاد باورهای غیرمنطقی در زنان با سابقه طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد، از روش آمار تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده می‌شود.

جدول ۴. نتایج تحلیل چندمتغیره ابعاد باورهای غیرمنطقی آن در دو گروه

شاخص	ارزش	مقدار F	درجه آزادی	سطح معنی داری	توان آماری
اثر پیلایی	۰/۵۹۳	۲۰/۰۰۸	۴	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰
لامبدای ویلکز	۰/۴۰۷	۲۰/۰۰۸	۴	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰
معیار هتلینگ	۱/۴	۲۰/۰۰۸	۴	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰

بزرگترین ریشه ری	۱/۴	۲۰/۰۰۸	۴	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰
------------------	-----	--------	---	--------	------

همان‌طور که مشاهده شد تفاوت دو گروه در ابعاد باورهای غیرمنطقی در هر چهار آزمون معنادار است.

جدول ۵. بررسی تفاوت نمرات ابعاد باورهای غیرمنطقی بین زنان با سابقه طلاق و زنان عادی

متغیرها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	p	مجذور اتا
درماندگی در برابر تغییر	۹۵۲/۰۱۷	۱	۹۵۲/۰۱۷	۴۴/۳	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳۳
توقع تأیید از دیگران	۴۶۴/۸۱۷	۱	۴۶۴/۸۱۷	۳۲/۳	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵۸
اجتناب از مشکل	۱۳۸/۰۱۷	۱	۱۳۸/۰۱۷	۴۴/۲	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳۳
بی‌مسئولیتی هیجانی	۴۱۶/۰۶۷	۱	۴۱۶/۰۶۷	۳۱/۴	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵۱

میانگین باورهای غیرمنطقی و ابعاد آن در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی بالاتر است.

جهت بررسی فرضیه پژوهش بین خودپنداره در زنان با سابقه طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد، از آزمون تی تست (-t test) گروه‌های مستقل استفاده شد.

جدول ۶. بررسی تفاوت نمرات خودپنداره در زنان با سابقه طلاق و عادی

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
زنان با سابقه طلاق	۶۰	۴/۱۳	۲/۳	۴/۵۷	۱۱۸	۰/۰۰۰۱
زنان عادی	۶۰	۸/۵۰	۴/۵			

بین خودپنداره در زنان با سابقه طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد و با توجه به مقایسه میانگین‌ها، خودپنداره در زنان عادی بیشتر از زنان با سابقه طلاق است. جهت بررسی فرضیه پژوهش بین ابعاد بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد، از روش آمار تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد.

جدول ۷. نتایج تحلیل چند متغیره ابعاد بهزیستی معنوی در دو گروه

شاخص	ارزش	مقدار F	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	توان آماری
اثر پیلایی	۰/۳۶۱	۱۶/۱	۲	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰
لامبدای ویلکز	۰/۶۳۹	۱۶/۱	۲	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰
معیار هتلینگ	۰/۵۶۵	۱۶/۱	۲	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰
بزرگترین ریشه ری	۰/۵۶۵	۱۶/۱	۲	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰

همان‌طور که مشاهده شد تفاوت دو گروه در ابعاد بهزیستی معنوی در هر چهار آزمون معنادار است.

جدول ۸. بررسی تفاوت نمرات ابعاد بهزیستی معنوی بین زنان با سابقه طلاق و زنان عادی

متغیرها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون	p	مجذور اتا
---------	--------------	------------	----------------	-------------	---	-----------

۰/۳۵۴	۰/۰۰۰۱	۳۱/۷	۱۴۴۰/۶	۱	۱۴۴۰/۶	سلامت وجودی
۰/۲۸۰	۰/۰۰۰۱	۲۲/۵	۸۲۸/۸۱۷	۱	۸۲۸/۸۱۷	سلامت مذهبی

میانگین بهزیستی معنوی و ابعاد آن در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی پایین تر است.

۵- بحث و نتیجه گیری

چنانکه پیش از این نیز گفته شد، هدف پژوهش حاضر مقایسه باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق و عادی بود. نتایج حاصل از تحلیل این فرضیه گویای آن است که میانگین باورهای غیرمنطقی در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی بالاتر است و میانگین متغیرهای خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی پایین تر است. این یافته‌ی پژوهشی با نتایج تحقیق بوم، راهوم و شارون^۱ (۲۰۰۵)، مونوز اگولویتا^۲ (۲۰۰۷) هنرپروران و همکاران (۱۳۹۰)، پذیرش (۱۳۹۳)، توریستیاتی و همکاران (۲۰۲۱) در یک راستا قرار می‌گیرد.

در توجیه اینکه چرا میانگین باورهای غیرمنطقی در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی بالاتر است می‌توان در ابتدا بیان داشت باورهای غیرمنطقی خواست‌ها و هدف‌هایی هستند که به صورت ترجیح‌های ضروری درمی‌آیند، به طوری که اگر برآورده نشوند موجب آشفتگی می‌شوند. باورهای غیرمنطقی تعادل فرد را بر هم می‌زند و مانع رویارویی موفقیت‌آمیز با حوادث تحریک‌کننده می‌شود. فیلیپوویک، ووکوساولیچویک-گوووزدن و اوپاسیک^۳ (۲۰۱۶) نیز به این نتیجه دست یافته‌اند که باورهای غیرمنطقی به احساسات ناکارآمد منجر می‌شود که بیشتر سازگاری زناشویی درک شده از هر دو طرف را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

باورهای غیرمنطقی به طور مستقیم به دلیل به همراه داشتن نگرانی‌ها، انتظارات، نشخوارهای فکری و حساسیت‌ها در یک زمینه‌ی خاص به طور غیرمستقیم با تأثیرگذاری در بروز اختلالات روانی از قبیل افسردگی و اضطراب همچنین وجود باورهای غیرمنطقی تحکمی از قبیل بایدهای دیگر محور در یک یا هر دو زوج، می‌تواند با اعمال کنترل برطرف مقابل، از نیاز به خود پیرو بودن و انجام رفتارها به خواست و اراده‌ی خود در همسر ممانعت کند. به علاوه، تأیید، تحسین و برقراری رابطه‌ای گرم و صمیمی با طرف مقابل مشروط به پیروی از باورها و ارزش‌های مورد قبول خود، مانع ارضای نامشروط نیازهای شایستگی و ارتباط در همسر می‌شود و بدین ترتیب، داشتن این قبیل باورهای تحکمی می‌تواند با ممانعت از ارضا و نیازهای بنیادی همسر، مانع شکل‌گیری رابطه‌ای حمایتگر، صمیمی و متعهدانه در زوجین و موجب بروز مشکلات زناشویی شود؛ بنابراین، می‌توان گفت کسانی که باورهای منطقی بیشتری دارند در زندگی زناشویی خود سعی می‌کنند درباره‌ی مشکل ارتباطی، روش مناسب‌تر بحث و گفتگو را به کار ببرند و پیشنهاد راه‌حل و مذاکره دهند، احساساتشان را نسبت به هم ابراز کنند و در این شرایط رضایت و خشنودی بیشتری از زندگی زناشویی خود احساس کنند.

در توجیه تفاوت میانگین مؤلفه‌ی درماندگی در برابر تغییر در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی می‌توان بیان داشت این مقاومت ناشی از یک ترس و یا نگرانی بابت از دست دادن موقعیت و همچنین نداشتن مهارت‌های لازم برای مدیریت وضعیت جدید است. این نوع تفکر با اجبار، الزام و قطعیت همراه بوده و خشک و انعطاف‌ناپذیر است. در نهایت این باورهای غیرمنطقی مانع از بازگشت زنان مطلقه به زندگی عادی و سازگارشده آن‌ها با موقعیت جدید می‌شود. این گونه باورهای نادرست جز دور کردن زن و شوهر از یکدیگر و در نهایت از هم‌پاشیدگی خانواده نتیجه‌ای نخواهد داشت.

1. Baum, Rahav & Sharon

2 Muñoz-Eguileta

3. Filipović, Vukosavljević-Gvozden & Opačić

در توجیه تفاوت میانگین مؤلفه‌ی توقع تأیید از دیگران می‌توان بیان داشت این باور که زنان دارای سابقه‌ی طلاق در مقایسه با زنان عادی نیاز به حمایت و تأیید بیشتری دارند که آن‌ها را می‌شناسند و یا به آن‌ها علاقه پیدا کنند. این باور می‌تواند به دلایل متعدد مشکلاتی برای این گروه از زنان ایجاد کند. اگر این تأیید را قطعاً به دست آورند آنگاه نگران خواهند بود که مبادا دوباره آن را از دست بدهند. نگرانی کامل داشتن در مورد تأیید دیگران بر روی تصمیم و عملکرد زنان دارای سابقه طلاق در مورد زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد. اینکه این گروه از زنان خواستار یا تقاضامند تأیید و تقویت تقریباً هرکسی باشند هدفی غیرقابل دسترسی است، چراکه هر کاری که این زنان انجام می‌دهند ممکن است بعضی آن را تأیید کنند و بعضی دیگر تأیید نکنند و گروهی نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. تمام زندگی آن‌ها حول جلب توجه از دیگران و ساختن بهترین نمونه از شخصیت و نشان دادن تفاوت خود با دیگران می‌گذرد و این باور غیرمنطقی زندگی مشترک بسیاری از افراد را با بحران مواجه نموده است. برای نمونه باور غیرمنطقی توقع تأیید از دیگران در زنان مطلقه به این صورت نمود پیدا می‌کند که آن‌ها این انتظار را از وابستگان و افراد فامیل دارند که جدایی و مسئله طلاق را در آن‌ها تأیید کنند و از عمل انجام‌شده آن‌ها حمایت کنند. حال اگر رفتاری متناقض با این باور غیرمنطقی خود در افراد نزدیک و بستگان ببینند، دچار اختلال عاطفی خواهند شد.

در ارتباط با مؤلفه‌ی بی‌مسئولیتی هیجانی می‌توان بیان داشت بی‌مسئولیتی عاطفی یعنی وقایعی را که مهار آن‌ها از دست انسان خارج است در حقیقت اغلب حوادث بیرونی که آن‌ها را مضر می‌دانیم، تنها از لحاظ روانی مضر هستند از آن‌ها صدمه‌ای نمی‌بینیم مگر اینکه به خودمان اجازه دهیم تحت تأثیر نگرش‌ها و عکس‌العمل‌ها قرار بگیریم زنان دارای سابقه‌ی طلاق با تلقین کردن به خود که مثلاً چقدر وحشتناک است که دیگری با او نامهربان باشد، یا او را ترد کند، خود را آزار می‌دهد و به این نحو به زندگی مشترک خود آسیب وارد می‌نمایند.

در توجیه تفاوت میانگین مؤلفه‌ی اجتناب از مشکل می‌توان بیان داشت در این مؤلفه اعتقاد به اینکه اجتناب و دوری از بعضی از مشکلات و مسئولیت‌های شخص برای فرد آسان‌تر از مواجه شدن با آن‌ها است نیز غیرمنطقی است، زیرا فرار کردن مشکلی را حل نمی‌کند و معمولاً مشکل به همان شکل باقی می‌ماند و نهایتاً با آن نیز مواجه خواهد شد. درک عدم توانایی مواجه با مشکل باعث می‌شود که شخص رفتارهای مؤثری را از خود بروز ندهد. افرادی که باورهای خودکارآمدی واضح خوب تعریف نشده، هماهنگ و باثبات نیستند. این اشخاص در مورد خود به دیدگاه روشنی نرسیده‌اند و بیشتر تحت تأثیر وقایع روزانه و ارزیابی‌های این وقایع قرار می‌گیرند؛ در نتیجه این باورهای غیرمنطقی بیشتر به زندگی مشترک آسیب می‌زند.

توجیه دیگر اینکه، زنانی که به دلایل مختلف از همسرانشان جدا می‌شوند به یک‌باره با جهان دیگری روبه‌رو می‌شوند، دنیایی که بسیاری از مختصات آن ناآشناست. دشواری‌هایی که این زنان تاب می‌آورند عمدتاً به دغدغه‌های معیشتی، عاطفی، و سواس‌های فکری، حاشیه‌های ناخواسته از برخورد نامناسب اطرافیان و به‌طور کلی شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه و ... مربوط می‌شود. در حال این گروه از زنان که با عنوان زنان مطلقه در جامعه شناخته می‌شوند، با مسائل، مشکلات و موانع زیادی در زندگی مواجه‌اند. به‌عنوان نمونه زنان مطلقه‌ی غیرشاغل برای تأمین نیازمندی‌های مادی زندگی محتاج دیگران هستند و از آنجایی که منشاء بسیاری از نابسامانی‌ها و ناملازمات انسان‌ها در جوامع کنونی به وضعیت اقتصادی و فقر مادی مربوط می‌شود و اکثر زنان مجرد نیز بی‌کار هستند و از وضعیت اقتصادی نامطلوبی برخوردارند؛ لذا نگرانی‌ها، انتظارات، نشخوارهای فکری و حساسیت‌ها در یک زمینه‌ی خاص و به‌طور کلی باورهای غیرمنطقی در این زنان بیشتر خواهد بود.

در تبیین این نتایج که چرا خودپنداره در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی پایین‌تر است می‌توان بیان داشت خودپنداره در چهار سطح زیستی، روانی، اجتماعی و فرهنگی قابل ترسیم است (Joe, 2010). زنان با سابقه طلاق از میزان استرس شدیدی رنج

می‌برند که سطح پایین عزت‌نفس و نیز عدم‌حمایت اجتماعی از جانب دیگران احتمال بیشتری دارد که از خودپنداره پایین‌تری برخوردار باشند. زنان پس از طلاق به دلیل آسیب‌هایی که تجربه می‌کنند از نگرش منفی نسبت به خود، عدم احساس خود ارزشمندی و عدم احساس کفایت رنج می‌برند و بدین ترتیب خودپنداره مثبت آنان کاهش می‌یابد. خودپنداره، چارچوبی شناختی است که به واسطه آن به سازمان‌بندی آنچه درباره خویش می‌دانیم، می‌پردازیم و اطلاعاتی را که به خود مربوط می‌شوند، بر پایه آن پردازش می‌کنیم. این قبیل طرح‌واره خود، دربرگیرنده مؤلفه‌های خاص نیز می‌باشد که در نقش‌گرایی‌های شخصیت عمل می‌کند؛ لذا در درک خودپنداره علاوه بر خانواده، نقش مثبت وسایل ارتباط‌جمعی، محیط، گروه دوستان و همسالان و سایر عوامل اجتماعی در جای خود اثبات گردیده است، در این راستا، به میزانی که افراد به یک هویت یا خودپنداره منسجم و مشخص دست می‌یابند؛ با احساسات مثبت یا منفی گوناگونی درگیر می‌شوند. آنچه بدیهی است تفاوت در خودپنداره زنان دارای سابقه طلاق در همه جنبه‌ها اتفاق نمی‌افتد و به‌صورت خاص برخی از مسائل شناختی زنان دارای تجربه طلاق در تعارض با گذشته وی می‌باشد؛ ذهن او را درگیر آن کرده و احساساتش را برآشفته می‌کند؛ از این‌رو این زنان در مقایسه با زنان عادی خودپنداره پایین‌تری را دارا هستند.

توجه دیگر مربوط به تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی در برخورد با زنان مطلقه است. طلاق در برخی موارد نه‌تنها راه‌حل منفی در برخورد با مسائل و مشکلات زناشویی نیست بلکه روشی مثبت برای خاتمه دادن به تنش‌های زندگی مشترک است علیرغم این مسئله، نگاه جامعه به زنان مطلقه، عوامل فرهنگی و محدودیت‌هایی که جامعه و خانواده برای این زنان اعمال می‌کند در برداشت آنان از خود نقش داشته و خودپنداره آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در تبیین این‌که چرا میانگین متغیر بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی پایین‌تر است می‌توان بیان داشت مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزش‌هاست که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. هرگاه تعارض خانوادگی بر سر موضوعی خاص شکل گیرد، مذهب می‌تواند از طریق مفاهیم معنوی و ارزش‌های مذهبی مشترک، اختلاف‌نظر بین زوج‌ها را تعدیل کند. همچنین، خانواده‌های معنوی مذهبی الگوهای ارزشی و اعتقادی خاصی را در مورد ازدواج و زندگی خانوادگی در خود می‌پرورانند. الگوهایی مثل خداوند به‌عنوان سومین ریسمان زندگی زناشویی و باور به ازدواج به‌عنوان یک پیمان مذهبی که می‌تواند و بایستی ادامه یابد، معنایی متعالی در تعهد به زندگی خانوادگی به تأیید برخی پژوهشگران رسیده‌اند. استعاره سومین ریسمان، برای اعتقاد به خدا به این دلیل است که در صورت اشتباه هر یک از زوجین ممکن است که ارتباط و زندگی زناشویی به‌راحتی قطع شود. ولی با حضور ریسمان سوم دوام و بقای ازدواج به‌مراتب بیشتر می‌شود. برخی از زوج‌ها معتقدند که این پیوند سه‌گانه ممکن نیست که به‌راحتی پاره شود. این باور تأثیر زیادی بر دوام و پایداری زندگی خانوادگی دارد. به‌علاوه، باورهای مذهبی، شیوه مؤثری برای مقابله با مصائب و تجارب دردناک است. معنویت با مکانیسم‌های خاص خود نوعی باورهای مثبت و کارآمدی را در اعضای خانواده پرورش می‌دهد و همچنین مانع از جای گرفتن باورهای مخرب ارتباطی و سیستم شناختی آن‌ها می‌شود و از این طریق می‌تواند کیفیت ارتباط و همچنین زندگی خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد.

در توجه این‌که چرا مؤلفه‌ی سلامت وجودی در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی پایین‌تر است می‌توان در ابتدا بیان داشت سلامت وجودی حالتی از بودن، احساس‌های مثبت، شناخت ارتباط فرد با خود و دیگران است. از این‌رو یکی از عوارض زندگی عصر ما که در اثر ضعف ایمان‌های مذهبی پدید آمده است افزایش بیماری‌های روانی و عصبی است. ماهونی معتقد است، مذهب راهنمایی‌های کلی در اختیار بشر قرار داده که اگر انسان‌ها به آن‌ها عمل نمایند، به استحکام پیوند زناشویی منجر می‌شود. این راهنمایی‌ها شامل قوانینی درباره روابط جنسی، نقش‌های جنسیتی، از خودگذشتگی و حل تعارضات در روابط زناشویی است. پایبند بودن به مذهب در زوجین می‌تواند موجب ایجاد اعتماد و احترام متقابل شود و رضایت زناشویی را افزایش دهد و پایبند نبودن به

مسائل مذهبی می‌تواند بی‌تعهدی را در رفتار افراد ایجاد کند و از این طریق موجب کاهش رضایت زناشویی و در بلندمدت موجب طلاق شود.

در توجیه اینکه چرا مؤلفه‌ی سلامت مذهبی در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی پایین‌تر است، می‌توان بیان داشت که سلامت مذهبی در درجه‌ی اول موجب تقویت و بهبود روابط زوجین می‌شود، وظایف والدینی را بهبود می‌بخشد و در درجه‌ی دوم به افراد کمک می‌کند برای گذراندن اوقات فراغت خود با خانواده، برنامه‌ریزی مناسبی انجام دهند و در درجه‌ی بعدی به افراد کمک می‌کند تفاوت‌های سلیقه‌ای همسر خود را بپذیرند و با آن سازگار شوند و در درجه‌ی چهارم به افراد کمک می‌کند تعارضات بین خود و همسر را به‌خوبی حل کنند و موجب می‌شود افراد روابط جنسی رضایت‌بخشی داشته باشند و در نهایت موجب کاهش طلاق می‌شود. همچنین سلامت مذهبی موجب می‌شود که نگرش فرد به کل هستی هدف‌دار باشد و نداشتن سلامت مذهبی موجب می‌شود که فرد انسجام و آرامش نداشته باشد و همین امر موجب ضعف و منشأ اختلاف‌های بسیاری در زندگی خانوادگی می‌شود. همچنین می‌توان گفت افراد دارای سلامت مذهبی برخلاف افراد فاقد سلامت مذهبی خود را در مقابل مشکلات و رویدادهای تنش‌زای زندگی تنها نمی‌دانند و آن‌ها باور دارند که خدا یار و یاور آن‌ها است و مشکلات خود را با کمک و یا با وساطت خدا حل می‌کنند. افراد دارای سلامت مذهبی معتقد نیستند که خدا مشکلاتشان را حل می‌کند، بلکه معتقدند حمایت و پشتیبانی خدا به آنان نیرو می‌دهد تا به اهدافشان برسند و مشکلاتشان را حل کنند و در نهایت این امر موجب می‌شود آنان احساس رضایت بیشتری از روابط زناشویی خود داشته باشند و در نهایت دوام زندگی‌شان بیشتر می‌شود.

این پژوهش به‌صورت مقطعی انجام شده است. به این دلیل، نتیجه‌گیری درباره علیت را دشوار می‌سازد. با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر لزوم توجه به باورهای غیرمنطقی و جهت‌گیری مذهبی، پیشنهاد می‌شود این سازه‌ها در قالب کلاس‌های آموزشی قبل از ازدواج به‌منظور پیشگیری از بروز مشکلات و افزایش آگاهی افرادی از نقش این متغیرها در زندگی مشترک صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود که انجام پژوهش با حجم نمونه بزرگ‌تر و محدوده جغرافیایی وسیع‌تر انجام گیرد تا ادبیات متراکم و منسجمی در خصوص نحوه به‌کارگیری متغیرهای ذکرشده فراهم آید. همچنین با توجه به اهمیت نقش مردان در خانواده لازم است، پژوهش‌های مشابه درباره‌ی مردان نیز انجام شود. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، این تحقیق به‌صورت طولی صورت گیرد تا امکان مقایسه نتایج در زمان‌های مختلف میسر شود.

۶- تقدیر و تشکر

در پایان از همکاری تمام کسانی که در اجرا و به انجام رساندن این پژوهش یاری‌رسان بوده‌اند، کمال تشکر را دارم.

۷- منابع

- ۱- پذیرش، ف. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای باورهای غیرمنطقی، ناگویی خلقی و تجارب معنوی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، رشته روانشناسی بالینی.
- ۲- حسینی قیداری، ا.، گودرزی، م.، احمدیان، ح.، و یاراحمدی، ی. (۱۴۰۱). گرایش به طلاق زنان براساس باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با نقش واسطه‌ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی. سلامت اجتماعی، ۹(۳)، ۶۷-۷۹.

- ۳- رضایی، م.، سید فاطمی، ن.، و حسینی، ف. (۱۳۸۷). سلامتی معنوی در بیماران مبتلا به سرطان تحت شیمی درمانی. *حیات*، ۱۴(۳،۴)، ۳۳-۳۹.
- ۴- صف‌آرا، م.، خانابایی، م.، و خانابایی، م. (۱۳۹۸). اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر معنویت بر روابط مثبت با دیگران و پذیرش خود در دختران بعد از طلاق والدین: مطالعه آزمایشی. *مجله پژوهش در دین و سلامت*، ۶(۲)، ۴۹-۶۱.
- ۵- عبادی، غ. ح.، و معتمدین، م. (۱۳۸۴). بررسی ساختار عاملی آزمون باورهای غیر منطقی جونز در شهر اهواز. *دانش و پژوهش در روانشناسی*، ۳(۲)، ۹۲-۷۳.
- ۶- عقیلی، س.، اصغری، آ.، کریمیان، ن.، نمازی، م. (۱۴۰۰). اثربخشی طرح‌واره درمانی بر افزایش خودکارآمدی و امید به زندگی زنان مطلقه و تأثیر آن بر کاهش الگوهای ناسازگار اولیه فرزندان دختر آنان. *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان*، ۳(۲)، ۱۹-۷.
- ۷- فرهادیان، ف.، و مرادی، ا. (۱۳۹۹). سهم سلامت معنوی، خوش‌بینی و بخشش در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان دانشگاه. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۲۱(۲)، ۱۰۴-۹۳.
- ۸- محبوبی، م.، اعتمادی، م.، خراسانی، ا.، قیاسی، م.، و افکار، ا. (۱۳۹۱). رابطه سلامت معنوی و اضطراب اجتماعی در جانبازان شیمیایی. *مجله طب نظامی*، ۱۴(۳)، ۱۹۱-۱۸۶.
- ۹- محمدی کاجی، م. (۱۳۷۲). بررسی رابطه خویش پنداری با سطوح اضطراب در دانش آموزان دبیرستانی آموزش و پرورش منطقه ۸ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد واحد رودهن.
- ۱۰- اله بخشیان، م.، جعفرپورعلوی، م.، پرویزی، س.، و حقانی، ح. (۱۳۸۹). ارتباط سلامت معنوی و کیفیت زندگی در مبتلایان به مولتیپل اسکلروزیس. *تحقیقات علوم پزشکی زاهدان*، ۱۲(۳)، ۲۹-۳۳.
- ۱۱- هنرپروران، ن.، معین، ل.، و معصومی، ر. (۱۳۹۰). مقایسه باورهای غیرمنطقی و ارزش‌ها در زنان متقاضی طلاق و عادی، دومین همایش ملی روانشناسی - روانشناسی خانواده، مرودشت.
- 12- Baum, N., Rahav, G., & Sharon, D. (2005). Changes in the self-concepts of divorced women. *Journal of Divorce & Remarriage*, 43(1-2), 47-67.
- 13- Collard, J. J., & Fuller-Tyskiewicz, M. (2021). Positive irrational beliefs and mental health. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 39(3), 335-354.
- 14- Davis, S.N. (2020). Comparison of spiritual well-being in divorced and normal women. *Journal of divorce & remarriage*, 56(6), 475-489.
- 15- Douma, I., de Boer, A., Minnaert, A., & Grietens, H. (2022). The I of students with ID or SEBD: A systematic literature review of the self-concept of students with ID or SEBD. *Educational Research Review*, 100449.
- 16- Drefahl, S. (2012). Do the married really live longer? The role of cohabitation and socioeconomic status. *Journal of marriage and family*, 74(3), 462-475.
- 17- Filipović, S., Vukosavljević-Gvozden, T., & Opačić, G. (2016). Irrational beliefs, dysfunctional emotions, and marital adjustment: A structural model. *Journal of Family Issues*, 37(16), 2333-2350.
- 18- Huang, Y., & Zhao, N. (2021). Mental health burden for the public affected by the COVID-19 outbreak in China: Who will be the high-risk group?. *Psychology, health & medicine*, 26(1), 23-34.
- 19- Joe, S. W. (2010). Assessing job self-efficacy and organizational commitment considering a mediating role of information asymmetry. *The Social Science Journal*, 47(3), 541-559.

- 20- Malgaroli, M., Galatzer-Levy, I. R., & Bonanno, G. A. (2017). Heterogeneity in trajectories of depression in response to divorce is associated with differential risk for mortality. *Clinical Psychological Science*, 5(5), 843-850.
- 21- Muñoz-Eguileta, A. (2007). Irrational beliefs as predictors of emotional adjustment after divorce. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 25(1), 1-15.
- 22- Oxhandler, H. K., Pargament, K. I., Pearce, M. J., Vieten, C., & Moffatt, K. M. (2021). The relevance of religion and spirituality to mental health: A national survey of current clients' views. *Social Work*, 66(3), 254-264.
- 23- Situmorang, D. D. B. (2021). 'Herd stupidity' as a result of 'irrational beliefs': The mental health issues in the COVID-19 outbreak. *Asian Journal of Psychiatry*, 65, 102851.
- 24- Teovanović, P., Lukić, P., Zupan, Z., Lazić, A., Ninković, M., & Žeželj, I. (2021). Irrational beliefs differentially predict adherence to guidelines and pseudoscientific practices during the COVID-19 pandemic. *Applied Cognitive Psychology*, 35(2), 486-496.

Comparison of Irrational Beliefs, Self-concept, and Spiritual Well-being in Women with a History of Divorce and Normalcy

Farideh Ensafdaran^{*1}, Mahnaz Mohammadizadeh Sarvestani², Kazem Khorramdel³

1. PhD in Psychology, Assistant Professor, Department of Psychology, Fatemieh Institute of Higher Education, Shiraz, Shiraz, Iran. (Corresponding Author)

f.ensafdaran@gmail.com

2. Master student, General Psychology, Department of Psychology, Fatemieh Institute of Higher Education, Shiraz, Shiraz, Iran.

Mmahnaz4747@gmail.com

3. PhD in Psychology, Assistant Professor, Department of Psychology, Fatemieh Institute of Higher Education, Shiraz, Shiraz, Iran.

Khorramdel.psy@gmail.com

Abstract

The present study aimed to compare irrational beliefs, self-concept, and spiritual well-being in divorced and normal women. This research was causal-comparative. The statistical population was all divorced women covered by the welfare organization and ordinary women of Shiraz city. The sample group consisted of 120 people in two groups (60 divorced women and 60 normal women). The available sampling method was used to determine the sample size in the group of divorced women. The purposeful method was used for normal women to compare the group of normal women with divorced women. Jones' irrational beliefs questionnaire, Rogers' self-concept questionnaire, Polotzin's and Ellison's spiritual well-being questionnaire, were analyzed. The collected data were evaluated at two levels (descriptive statistics and inferential statistics). At the level of statistics, mean and standard deviation were used, and at the level of inferential statistics, multivariate analysis of variance has used. The result showed that there is a significant difference between irrational beliefs, self-concept, and spiritual well-being in divorced and normal women. Irrational beliefs in women with a history of divorce are higher than in normal women, and the mean of self-concept variables and spiritual well-being in women with a history of divorce is lower than in normal women. The average of irrational beliefs and their dimensions (including helplessness against change, the expectation of approval from others, problem avoidance, and emotional irresponsibility) are higher in women with a history of divorce than in normal women. There is a significant difference between self-concept in women with a history of divorce and normal women. The average spiritual well-being and its dimensions (existential health and religious health) are lower in women with a history of divorce than in normal women. Based on the results, on the need to pay attention to the irrational beliefs of self-concept and spiritual well-being, it is suggested that these structures be implemented in pre-marriage training classes to prevent the occurrence of problems and increase people's awareness of the role of these variables in joint life.

Keywords: Irrational beliefs, Self-concept, Spiritual well-being.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)